

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

راهنمای معلمان و مربیان در

# قصه نویسی

ویژه دانش آموزان پایه اول

سازمان مدارس راه ایمان خوزستان

تابستان ۱۴۰۴

## سخنی با معلمان

قصه‌گویی و داستان‌نویسی راه موثری برای ارتباط بین افراد است. ما به قدرت داستان‌نویسی، برای توانمندسازی کودکان اعتقاد داریم و از طریق کلاس‌های داستان‌نویسی در مقاطع مختلف می‌خواهیم کودکان و نوجوانان را تشویق به نوشتن کنیم. از این طریق حس ارزشمندی و به طبع آن خودباوری در آنها تقویت می‌شود و کودکان می‌توانند آن‌گونه که می‌خواهند خود را ابراز کنند.

هدف ما از داستان‌نویسی، ترویج تفکر نقادانه و افزایش عزت نفس و اعتماد به نفس در بین کودکان است. این کلاس محیط امنی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا بتوانند خود را بیان کنند و راه‌های درست فکر کردن و درست تصمیم گرفتن را بیاموزند، به سادگی هر امری را باور نکنند و روش‌های مناسبی برای حل مشکلاتشان بیابند. شرایط امروزی زندگی ما به گونه‌ای است که می‌توان گفت تفکر نقادانه از پیش‌نیازهای رشد، موفقیت، رقابت و بقا محسوب می‌شود. برخی از کاربردهای تفکر نقادانه که در فرایند نوشتن نیز سودمند و موثر است، عبارتند از:

- چگونه سوالات بهتری بپرسیم و پاسخ‌های بهتری مطرح کنیم؟
- چگونه مستدل‌تر و عمیق‌تر فکر کنیم، حرف بزنیم و بنویسیم؟
- چگونه شباهت و تفاوت بین ایده‌ها و حرف‌ها و تحلیل‌های مختلف را ببینیم و ارزیابی کنیم؟
- چگونه مسائل و مشکلات را تعریف و تحلیل کنیم؟ (نوشتن می‌تواند راه خوبی باشد)
- در میان انبوه رسانه‌هایی که امروزه - تقریباً بدون استثناء - منافع و بقای خود را در اولویت قرار می‌دهند، چگونه می‌توانیم اطلاعاتی مفید و ارزشمند به دست بیاوریم؟
- چگونه دانسته‌ها و باورها و شناخت‌مان از جهان را پالایش کنیم و از تعصب و تنگ نظری و پیش‌داوری فاصله بگیریم؟
- چگونه شفاف‌تر فکر کنیم و حرف‌ها و نظرها و استدلال‌هایمان را به شیوه‌ای شفاف‌تر و متقاعدکننده‌تر به دیگران منتقل کنیم؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه از نگاه فردی دیگر و با چارچوب نگرشی متفاوت، به مسائل نگاه کنیم تا از این طریق، گفتگو و تعامل ما با دیگران ساده‌تر و سازنده‌تر باشد؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه به دیگران کمک کنیم تا مسائل و مشکلات خود و محیط اطرافشان را بهتر و شفاف‌تر ببینند و درک کنند؟

به این ترتیب می‌توان گفت نوشتن راه خوب و موثری است برای اینکه به بچه‌ها فکر کردن و مهارت حل مسئله را بیاموزیم، توانایی‌هایی که به آموزش آنها در میان درس‌های مدرسه بی‌توجهی شده است.

معلم و والدین عزیز به یاد داشته باشید کودکان می‌توانند آزادانه تخیل و خلاقیت داشته‌باشند، تنها از طریق این دو عنصر است که به کشف خود و دنیای اطراف می‌رسند. یکی از بهترین راه‌های تقویت خلاقیت در کودکان داستان‌نویسی است. این آزادی در تخیل باعث تقویت ارتباط آنان با هم‌نسلان و نسل‌های گذشته می‌شود و به حفظ و گسترش فرهنگ آنها کمک می‌کند.

کلاس‌های ما فقط قصه‌گویی و داستان‌نویسی نیست. ما در این کلاس می‌خواهیم در مورد تقویت تعاملات اجتماعی، مهارت‌های حل مسئله، حفظ فرهنگ ایرانی اسلامی، خودباوری و اعتماد به نفس و ... گفتگو کنیم و آموزش دهیم. کودکان از طریق فعالیت‌های هنری مانند (داستان‌گویی، داستان‌نویسی، نقاشی، نمایش خلاق و ...)، می‌توانند ایده‌ها و پیام‌های پیچیده‌ای را به

اشتراک بگذارند، پیامهایی که بدون این فعالیتها میسر نیست، و البته فراموش نمی کنیم که کلاسهای داستان نویسی برای کودکان و نوجوانان باید سرگرم کننده، جذاب و مفرح باشد.

معلم و والدین عزیز بیایید دست در دست هم دنیای کودکانمان را هر چه زیباتر، رنگارنگتر و غنیتر کنیم و با قدرت داستان نویسی به تقویت خصوصیات مثبت اخلاقی کودکان کمک کنیم، به این امید که آنها در آینده به فردی مفید و موثر در جامعه تبدیل شوند.

### شناخت احساس تعجب

تعجب یا غافلگیری، واکنش بدن نسبت به اتفاقات غیرمترقبه است. این احساس می‌تواند مثبت، منفی یا خنثی باشد. ما در این درس و درس آینده، به این احساس می‌پردازیم.

یک قصه‌ی تصویری با موضوع تعجب با خودتان به کلاس بیاورید. (لازم نیست لزوماً موضوع قصه تعجب کردن باشد. داستان‌هایی که موجودات خیالی دارند، برای این بخش مناسبند.) قصه را با بچه‌ها مرور کنید و از آن‌ها بخواهید درموردش گفت‌وگو کنند. از آن‌ها بخواهید به شما بگویند که چه چیزهایی در این داستان برایشان تعجب برانگیز بود؟ چه تصویرها یا اتفاقاتی آن‌ها را غافلگیر کرد؟ اجازه بدهید بچه‌ها دریافت خودشان را از قصه بگویند و مسیر کلاس بدون جهت دهی شما به سمت موضوع برود.

(قصه‌های این بخش را می‌توانید از کتاب‌های کانون پرورش فکری کودک و نوجوان پیدا کنید)

از بچه‌ها بخواهید روی یک برگه‌ی سفید چند عدد ماهی کوچک بکشند. به آن‌ها تاکید کنید کل برگه را با ماهی‌ها پر نکنند. سپس به آن‌ها بگویید که این نقاشی یک برکه است. آن‌ها باید چیزی داخل برکه‌شان بکشند که بقیه با دیدنش تعجب کنند. (چه چیزی جایش وسط برکه نیست؟ چه ماهی عجیبی در برکه نگهداری می‌شود؟ چه اتفاقی در برکه افتاده که عجیب است؟) سپس نقاشی‌های بچه‌ها را باهم مقایسه کنید و درباره‌ی آن گفت‌وگو کنید.

### تمرین:

۱/ تعدادی از بچه‌ها را پای تخته بیاورید و جمله‌هایی برای‌شان بخوانید. از آن‌ها بخواهید خودشان را جای شخصیت موجود در جمله بگذارند و لحظه‌ی تعجبش را بازی کنند.

- محمود رفت تا از چاه آب بکشد. سطل را که بالا کشید دید داخلش به جای آب نوشابه است!
- کبوتر روی شاخه‌ی درخت نشست تا استراحت کند. اما درخت شاخه‌اش را تکان داد و به او گفت روی او ننشین!
- هاجر خواست یکی از شیرینی‌های داخل بشقاب را بردارد. اما شیرینی از دستش فرار کرد!
- تا صادق روی قالیچه نشست، قالیچه از جایش بلند شد و پرواز کرد!
- خرگوش در جنگل قدم می‌زد که دید روی سر آقای پلنگ دو عدد شاخ سبز شده است!
- مادر در یخچال را باز کرد و دید زینب دفتر و کتابش را داخل یخچال گذاشته است!
- سمیه به حیاط رفت و دید که از آسمان باران شکلات می‌بارد!

می‌توانید جملات مختلفی مانند جمله‌های فوق طراحی کنید. دقت کنید که فضای ترسیم شده خیال‌انگیز باشد تا احساس تعجب غالب شود. تلاش کنید با ایجاد فضای ترسناک، خوشحال کننده یا عصبانی کننده؛ از تعجب و غرق شدن در خیال و رویا دور نشوید.

۲/ روی تخته یک کلمه‌ی عجیب بنویسید. (برای مثال: پاراچوتالا) به بچه‌ها بگویید اسم یک شخصیت است. احتمالا بچه‌ها خواهند گفت چه اسم عجیبی دارد. به آن‌ها بگویید قیافه‌ی او از اسمش عجیب تر است. حالا از آن‌ها بخواهید تصویر او را توی دفترشان نقاشی کنند.

بچه‌ها نقاشی‌های عجیب و غریبی و خنده‌داری می‌کشند. نقاشی‌هایشان را به همدیگر نشان بدهید و از آن‌ها بخواهید در مورد احساس تعجب بعد از دیدن آن نقاشی گفت‌وگو کنند. در هر نقاشی، کدام بخش عجیب تر است؟ آیا اسم این شخصیت عجیب تر است یا تصویرش؟ از بچه‌ها بپرسید برای خلق یک شخصیت عجیب، چه کارهایی انجام داده‌اند؟

۳/ یک قصه‌ی ساده‌ی کوتاه برای بچه‌ها تعریف کنید. از آن‌ها بخواهید چیزهایی به این قصه اضافه کنند که تبدیل به یک قصه‌ی خیالی بشود. طوری که اگر کسی آن را بخواند، تعجب کند.

قصه‌ی پیشنهادی: «رضا پسر خوب و مودبی بود. او یک مشکل داشت. اینکه مسواک زدن را پشت گوش می‌انداخت. هرچه پدر و مادر به او می‌گفتند، گوش نمی‌داد. یک روز رضا با دندان درد از خواب بیدار شد. پدر او را به دندان‌پزشکی برد و پزشک مهربان گفت که دندانش خراب شده است. رضا ناراحت بود و دوست نداشت آقای دندانپزشک دندانش را درست کند. او گفت قول می‌دهد از این به بعد هرشب مسواک بزند. پزشک گفت، مسواک زدن دندان خراب تو را درست نمی‌کند، اما باعث می‌شود دندان‌های دیگری خراب نشود.»

برای عجیب شدن قصه کارهای مختلفی می‌توان انجام داد. به مسواک شخصیت داد، دندان او به حرف بیاید، یک معجون جادویی برای درست شدن دندان به دست بیاورد و اتفاقاتی از این قبیل. دقت کنید که قصه زمانی که دارای عناصر خیالی باشد، جذاب است. داستانی که خالی از خیال باشد به گزارش و خاطره شبیه‌تر است.

## کلاس اول - جلسه‌ی شانزدهم

### درباره احساس تعجب قصه بنویس

احساس تعجب مقدمه‌ای برای ورود به خیال‌پردازی است. ما کودک را در این مرحله (همانند تمام درس‌های پیشین) ترغیب به خیال‌پردازی می‌کنیم، اما از این واژه استفاده نمی‌کنیم. تمرکز ما روی احساس تعجب است. با اینحال شما این مساله را در نظر داشته باشید و در خلال تمرین‌ها کوشش کنید خیال‌پردازی کودک را تحریک و تقویت کرده، آن‌ها را در مسیر خلق دنیای خیالی قرار دهید.

در ابتدا قصه‌ای برای بچه‌ها بخوانید و از آن‌ها بخواهید در مورد احساس تعجب موجود در قصه گفت‌وگو کنند. برای فعالیت فوق، می‌توانید از قصه‌های موجود در کتاب‌های کانون پرورش فکری کودک و نوجوان استفاده نمایید. همچنین از این قصه نیز می‌توانید استفاده کنید:

«قصه‌ی ما درباره‌ی دختر بچه‌ای است به نام سهیلا. او آرزو داشت بتواند گنج پیدا کند. یک روز صبح، وقتی از خواب بیدار شد، دید یک کبوتر پشت پنجره‌اش ایستاده و به پنجره نوک می‌زند. سهیلا در را باز کرد. کبوتر به او گفت: «اگه گنجت رو می‌خواهی، نقشه رو بردار و بیا دنبال من.» کبوتر این را گفت و رفت. سهیلا تعجب کرد. مگر کبوترها حرف می‌زنند؟ او نقشه را برداشت و دنبال کبوتر رفت. آن‌ها به کوهی رسیدند که مثل ابر نرم بود. کبوتر به سهیلا می‌گفت آرام قدم بردارد تا پایش در کوه فرو نرود. از کوه رد شدند و به دره‌ای رسیدند که داخلش یک رود پر از آب آلبالو بود. کبوتر گفت: «این رودخونه سمی است. مبادا ازش چیزی بخوری» بعد از آن به دشتی رسیدند که از زمینش به جای گل، بوته‌ی آب نبات بیرون آمده بود. سهیلا حتی در کتاب‌های داستان هم چنین چیزی را ندیده بود. سهیلا مشغول چیدن آب نبات از بوته‌ها بود که از خواب بیدار شد. نگاهی به اطراف انداخت و دید در اتاق خودش خوابیده است. سهیلا وقتی فهمید همه چیز خواب بوده، بلند بلند خندید. خواب عجیبی دیده بود. زود رفت سراغ دفترش تا اتفاقات خواب را بنویسد. ای کاش قبل از بیدار شدن از خواب گنج را پیدا کرده بود!»

از بچه‌ها بخواهید درباره‌ی اتفاقات این قصه صحبت کنند و بگویند چه چیزهایی در این قصه برایشان عجیب بود؟ چه چیزهایی می‌توانست قصه را عجیب تر از این کند؟

### تمرین:

۱/ به بچه‌ها بگویید فکر کنند یک اتفاق عجیب افتاده و آن‌ها می‌خواهند در قالب یک نقاشی آن را به بقیه خبر بدهند. از آن‌ها بخواهید آن اتفاق را نقاشی کنند.

پس از آن نقاشی‌ها را به هم نشان بدهند و در موردش گفت‌وگو کنند.

۲/ پس از تمرین اول، به بچه‌ها بگویید درباره‌ی آن اتفاق یک قصه بسازند. آن‌ها می‌توانند قصه را مثل یک نمایش اجرا کنند.

۳/ یک قصه‌ی نیمه کاره به بچه‌ها بدهید و از آن‌ها بخواهید آن را کامل کنند.

قصه‌های پیشنهادی:

- زهرا از خانه بیرون آمد و دید درخت توی باغچه به جای میوه، عروسک داده است. او به سمت درخت رفت و ...

- مجید عجله داشت. تا آمد کفشش را بپوشد، کفش فرار کرد و از خانه بیرون رفت ...
- گربه ناغلا نگاهش به ماهی داخل حوض افتاد. به او نزدیک شد تا شکارش کند. اما یکدفعه ...